

# عرفان اسلامی در آئینه شعر و ادب

(بخش پنجم)

## عارفان معاصر

(2)

### سید علی قاضی طباطبایی

علامه بزرگوار و عارف نامدار ، سید علی قاضی طباطبایی ، در ماه ذی الحجه سال 1282 هجری قمری در تبریز متولد شد.

اساتید معروف ایشان عبارت بودند از : فاضل شریانی ، محقق خراسانی ، میرزا حسین خلیلی و امامقلی نخجوانی.

اساتید بزرگ ایشان در عرفان عبارت بودند از : سید احمد کربلایی و شیخ محمد بهاری.

این عارف بزرگوار علاوه بر تسلط بر علوم اسلامی ، به دو زبان عربی و فارسی ، اشعار زیبایی سروده است.

وی در طول عمر شریف خود ، شاگردان بارزی در عرفان و اخلاق تربیت کرد که نام برخی از آنان را از نظر گرامی شما می گذرانیم:

- علامه سید محمد حسین طباطبایی
- آية الله العظمى محمد تقى بهجت
- آية الله سید عبدالکریم کشمیری
- آية الله محمد تقى آملی
- سیّد هاشم حدّاد
- آية الله سید هاشم رضوی کشمیری.

سر انجام ، این سالک وادی عرفان ، در روز چهارم ربیع الاول سال 1366 هجری قمری در نجف اشرف به دیدار حق شتافت و در مقبره وادی السلام ، به خاک سپرده شد.

ایشان ، دستور العمل های عرفانی خود را گاهی به صورت نثر ، و زمانی به صورت اشعار عربی و فارسی بیان فرموده است. به عنوان نمونه ، در نامه خود به یکی از شاگردانش ، به ابیات ذیل اشاره دارد :

و قد کان قلبی قبل ذا عنک لاهیا  
و لکنّه شوّقه فتشوّقا  
فلا توکلن لاتعجلن و توکلن  
و رفقا لعلّ الله يجعل مرفقا

توکل علی الربّ الکریم ألا تری  
کفایتہ من قد توکل و اتقی  
إلیک کتاب الحقّ فاقراءه ماکنّا  
لترقی به حتّی تلذذ باللّقا

روزی یکی از ملازمان ایشان نصیحتی از وی طلب کرد. فرمود : قلم  
و کاغذ را آماده کن و بنویس :

سررشته دولت ای برادر به کف آر  
وین عمر گرانمایه به خسران مسپار  
یعنی همه جا با همه کس در همه حال  
می دار نهفته چشم دل جانب یار

برخی از توصیه های سازنده ایشان عبارتند از :

"شما را سفارش می کنم به اینکه نمازهایتان را در بهترین و با  
فضیلت ترین اوقات آنها به جا بیاورید و آن نمازها با نوافل، 51 رکعت  
است؛ پس اگر نتوانستید، 44 رکعت بخوانید و اگر مشغله های  
دنیوی نگذاشت آنها را به جا آورید، حداقل نماز توابین را بخوانید  
(نماز اهل انابه و توبه هشت رکعت هنگام زوال است).

اگر کسی نماز واجبش را اول وقت بخواند و به مقامات عالیہ نرسد  
مرا لعن کند.

خواندن این دعا در قنوت نماز توصیه می شود :  
اللهم ارزقني حبّك و حبّ ما تحبه، و حبّ من يحبّك، و العمل الذی  
یبلغنی إلی حبّك و اجعل حبّك احبّ الاشياء إلیّ.

(خدایا ، عشق به خودت را نصیب من فرما ، و عشق به آنچه دوست  
داری ، و محبت آنکه تو را دوست دارد ، و کاری که مرا به محبت تو  
برساند ؛ و دوستی خودت را محبوب ترین چیزها برای من گردان).

اما نماز شب ، پس هیچ چاره و گریزی برای مؤمنین از آن نیست، و  
تعجب از کسی است که می خواهد به کمال دست یابد در حالی که  
برای نماز شب قیام نمی کند ، و ما نشنیدیم که احدی بتواند به آن  
مقامات دست یابد مگر به وسیله نماز شب.

سریان فیوضات و خیرات از مسیر حضرت سیدالشهدا علیه السلام  
است ، و پیشکار این فضیلت هم حضرت قمر بنی هاشم ابوالفضل  
العباس علیه السلام است.

اطاعت والدین ، حسن خلق ، ملازمت صدق ، موافقت ظاهر با باطن  
و ترک خدعه و حيله ، و تقدم در سلام و نیکویی کردن با هر برّ و  
فاجر، مگر در جایی که خدا نهی کرده ، توصیه می شود.

الله الله که دل هیچ کس را نرنجانید.

هر حقی که برگردنت باشد تا ادا نکنی باب روحانیت، باب قرب ، و باب  
معرفت باز شدنی نیست.

در هنگام گرفتاری ها و شدائد ، دستور ذیل سفارش شده است :

پس از 5 بار صلوات و قرائت آیه الکرسی در دل خود بدون آوردن به زبان بسیار بگو:

"اللهم اجعلنی فی درعک الحصینة الّتی تجعل فیها من تشاء".

### علامه طباطبایی

علامه سید محمد حسین طباطبایی در سال 1321 هجری قمری برابر با 1281 هجری شمسی در شهر تبریز به دنیا آمد. وی در سن پنج سالگی مادر ، و در سن نه سالگی پدر خود را از دست داد.

اساتید مبرز ایشان عبارت بودند از :

- سید حسین بادکوبه ای ، در فلسفه.
- شیخ محمد حسین اصفهانی و محقق نائینی ، در فقه و اصول.
- سید علی قاضی طباطبایی ، در عرفان.

این عارف بزرگ و فیلسوف نامدار و مفسّر گرانقدر قرآن ، سرانجام در روز هجدهم محرم الحرام سال 1402 هجری قمری برابر با بیست و چهارم آبان 1360 شمسی در سن 81 سالگی در شهر قم دیده از جهان فرو بست و در کنار حرم حضرت فاطمه معصومه به خاک سپرده شد.

بنا بر سخن نزدیکان ایشان ، مراقبت های عرفانی و توجهات معنوی  
علامه طباطبایی در اواخر عمر شریف ایشان افزایش یافته بود و  
گاهی این غزل حافظ را زمزمه می کردند و می گریستند :

عمر بگذشت به بی حاصلی و بوالهوسی  
ای پسر جام می ام ده که به پیری برسی

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش  
وه که بس بی خبر از غلغل چندین جرسی

بال بگشا و صفیر از شجر طوبی زن  
حیف باشد چو تو مرغی که اسیر قفسی

این حکیم فرزانه ، ده ها کتاب ارزنده به رشته تحریر در آورده است که  
تفسیر المیزان ، اصول فلسفه ، بدایة الحکمة ، و نهاية الحکمة از  
جمله آنها است.

ایشان ، علاوه بر احراز مراتب علمی و کمالات معنوی ، دارای قریحه  
شعری نیز بودند ، که نمونه ای از اشعار ایشان را از نظر شما  
می گذرانیم :

همی گویم و گفته ام بارها  
بود کیش من مهر دلدارها  
پرستش به مستیست در کیش مهر  
بروند زین جرگه هشیارها  
به شادی و آسایش و خواب و خور  
ندارند کاری دل افکارها  
چه دارد جهان جز دل و مهریار  
مگر توده هایی ز پندارها  
به آوای نای و به آهنگ چنگ  
خروشد ز سرو و سمن تارها  
به یاد خم ابروی گلرخان  
بکش جام در بزم می خوارها

آیه الله تهرانی از شاگردان ایشان ، در خصوص مسلک عرفانی علامه طباطبایی ، چنین می گوید :

استاد، مسلک استاد بی‌عدیلشان مرحوم آیه الحقّ سیّدالعارفین حاج میرزا علی آقاي قاضي؛ و ایشان در روش تربیت، مسلک استادشان آقاي آقا سیّد أحمد کربلائی طهرانی؛ و ایشان نیز مسلک استاد خود مرحوم آیه الحقّ آخوند ملاً حسینقلی درجّزینی همدانی رضوانُ الله

عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ را داشته‌اند که همان معرفت نفس بوده است، که ملازم با معرفت ربّ بوده، و بر این اصل روایات بسیاری دلالت دارد.

و آن بعد از عبور از عالم مثال و صورت، و بعد از عبور از عالم نفس خواهد بود که **عِنْدَ الْفَنَاءِ عَنِ النَّفْسِ يَمْرَاتِيهَا يَحْصُلُ الْبَقَاءُ بِالرَّبِّ؛** و تجلّی سلطان معرفت وقتی خواهد بود که از آثار نفسانیه در سالك هیچ باقی نمانده باشد.

و از شرایط مهمّ حصول این معنی مراقبه است که در هر مرحله از مراحل، و در هر منزله از منازل باید بتمام معنی الکلمه حفظ آداب و شرایط آن مرحله و منزل را نمود؛ و الاّ بجای آوردن عبادات و اعمال لازم بدون مراقبه، حکم دوا خوردن مریض با عدم پرهیز و استعمال غذاهای مضرّ است که مفید فائده نخواهد شد. و کلیّات مراقبه که بر حسب منازل مختلف، جزئیّات آن متفاوت است، در پنج چیز خلاصه می‌شود:

### **صَمْتٌ وَ جُوعٌ وَ سَهْرٌ وَ عَزْلَةٌ وَ ذِكْرٌ بِدَوَامٍ**

#### **نا تمامان جهان را کند این پنج تمام**

باری، فرق روشن علامه طباطبائی با سائرین این بود که اخلاقیّات ایشان ناشی از تراوش باطن، و بصیرت ضمیر، و نشستن حقیقت سیر و سلوک در کُمون دل و ذهن، و متمایز شدن عالم حقیقت و واقعیت از عالم مجاز و اعتبار، و وصول به حقائق عوالم ملکوتی بود؛ و در واقع تنازل مقام معنوی ایشان در عالم صورت و عالم طبع و بدن



بوده است؛ و معاشرت و رفت و آمد و تنظیم سائر امور خود را بر آن اصل نموده‌اند.

ولي مسلك اخلاقي غير ايشان ناشي از تصحيح ظاهر و مراعات امور شرعيّه و مراقبات بدنيّه بود، که بدینوسیله می‌خواهند دریچه‌ای از باطن روشن شود؛ و راهی بسوی قرب حضرت احدیت پیدا گردد. رَجِمَ اللهُ الْمَاضِينَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ.

**علامه استاد** دارای روحی لطیف، و ذوقی عالی، و لطافتی خاص بودند. در اشعار عرب به شعرهای **ابن فارض** بخصوص به «نظم السلوك» آن که معروف به **تائیه کبری** است علاقه‌مند بودند.

و در اشعار فارسی «دیوان خواجه حافظ شیرازی» را می‌ستودند. و از اشعار عرفانی فارسی و عربی، گهگاهی برای دوستان غزلی آرام آرام می‌خواندند. و دربارهٔ اینکه سالک باید یکسره هم و غمّ خود را بخدا مصروف دارد، و در صدد زیاده‌طلبی و فضیلتی ابداً نبوده باشد؛ بلکه باید همّش خدایش باشد، و توشهٔ راهش همان دُلّ عبودیت، و راهنمای او محبت او بوده باشد.

کراراً این اشعار را می‌خواندند، و می‌فرمودند: شاعر در نشان دادن راه فنا و نیستی غوغا کرده است:

رَوْتُ لِي أَحَادِيثَ الْغَرَامِ صَبَابَةً  
يَأْسِنَادِهَا عَنْ جِيرَةِ الْعَلَمِ الْفَرْدِ  
وَ حَدَّثَنِي مَرُّ النَّسِيمِ عَنِ الصَّبَا  
عَنِ الدَّوْحِ عَنْ وَادِي الْعَصَايِ عَنْ رَبِّي نَجْدِ  
عَنِ الدَّمْعِ عَنْ عَيْنِي الْقَرِيحِ عَنِ الْجَوِي  
عَنِ الْحُزْنِ عَنْ قَلْبِي الْجَرِيحِ عَنِ الْوَجْدِ  
يَأَنَّ غَرَامِي وَ الْهُوَيِ قَدْ تَحَالَفَا  
عَلَى تَلْفِي حَتَّى أُوسِدَ فِي لِحْدِي

سخن را با بیان نمونه ای دیگر از غزلهای علامه طباطبایی ، به پایان  
می بریم :

مهر خوبان دل و دین از همه بی پروا برد  
رُحْ شَطْرِنَجْ نَبْرَدْ أَنْجَه رَحْ زِيَا بَرْدْ  
تو مپندار که مجنون سر خود مجنون گشت  
از سَمَكْ تا به سما کش کشش لیلای برد  
من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه  
ذره ای بودم و مهر تو مرا بالا برد

من خَسِي بِي سر و پايِم که به سيل افتادم  
او که ميرفت مرا هم به دل دريا برد  
خم ابروي تو بود و کف مينوي تو بود  
که به يک جلوه ز من نام و نشان يکجا برد  
خودت آموختيم مهر و خودت سوختيم  
با بر افروخته روئي که قرار از ما برد

### آية الله العظمى بهجت

آية الله العظمى محمد تقى بهجت در اواخر سال 1334 هجرى قمرى  
در شهر فومن واقع در استان گيلان متولّد شدند.

اساتيد ايشان عبارت بودند از حضرات آيات :

- محقق کمپانى و ميرزاى نائينى و سيد ابوالحسن اصفهانى و  
حاج آقا ضياء عراقى ، در فقه و اصول.
  - سيد حسين بادكوبه اى ، در فلسفه.
  - سيد على قاضى طباطبايى ، در عرفان.
- آفاى بهجت ، علاوه بر طىّ مراحل عالى در علوم عقلى و نقلى ،  
داراى مراتب رفيع عرفانى هستند. در زهد و عبادت و پرهيز از دنيا ،

کم نظیر ، و در کشف و مشاهده عوالم معنوی نیز به مقام بلندی رسیده اند. امور یادشده برای اینجانب که به مدت شش سال در محضر ایشان بوده و از دروس معظم له استفاده کرده ام ، به اثبات رسیده است.

ایشان در جهت ارشاد دیگران ، با اشاره به آیات ، روایات و داستان زندگی بزرگان دین ، به صورت مختصر و مفید به بیان دیدگاه خود می پردازند ، و گاهی از اوقات نیز ، با اشاره به اشعار عرفانی ، شاگردان را نصیحت می کنند.

تکیه کلام ایشان در نصایح خود ، این جمله شریفه است :

**من عمل بما علم ورثه الله علم ما لم يعلم.**

"کسی که به آنچه می داند عمل کند ، خداوند ، علم آنچه را که نمی داند نصیب او می گرداند".

در برخی موارد ، این مصرع را برای دمیدن روح امید در افراد قرائت می نمودند که :

**و قل لمن قرع الأبواب أن یلجا**

"به آنکه در زند بگو وارد شود"

یا اینکه بیت ذیل را برای بیان جان مطلب ، می خواندند :

گفتم که الف ، گفت : دگر؟ گفتم : هیچ  
در خانه اگر کس است، یک حرف بس است

یا آنکه داستان عارفی دلسوخته را نقل می کردند که در حجره خود  
به مناجات مشغول بود و گاهگاهی می گفت :

### **دست ما کوتاه و خرما بر نخیل**

این مصرع ، جزئی از غزل حافظ است که می فرماید :

ای رخت چون خلد و لعلت سلسبیل  
سلسبیلت کرده جان و دل سبیل

ناوک چشم تو در هر گوشه ای  
همچو من افتاده دارد صد قتیل

یا رب این آتش که در جان من است  
سرد کن زان سان که کردی بر خلیل

پای ما لنگ است و منزل بس دراز  
دست ما کوتاه و خرما بر نخیل

در اینجا به برخی از دستور العمل های ایشان برای سالکان طریق  
سعادت اشاره می کنیم :

غرض از خلق، عبودیت است "و ما خلقت الجن و الانس إلا ليعبدون".  
و حقیقت عبودیت ؛ ترک معصیت است در اعتقاد که عمل قلب است  
و در عمل جوارح.

و ترک معصیت، حاصل نمی شود به طوری که ملکه شخص بشود،  
مگر با دوام مراقبه و یاد خدا در هر حال و زمان و مکان و در میان مردم  
و در خلوت. "ولا أقول سبحان الله و الحمد لله، لکنه ذکر الله عند حلاله  
و حرامه".

ما امام زمان عجل الله له الفرج را دوست می داریم، چون امیر نحل  
است؛ امور ما مطلقاً به وسیله او به ما می رسد؛ و او را پیغمبر  
صلوات الله علیه برای ما امیر قرار داده؛ و پیغمبر را دوست داریم، چون  
خدا او را واسطه بین ما و خود قرار داده؛ و خدا را دوست داریم، برای  
اینکه منبع همه خیرات است و وجود ممکنات، فیض اوست.  
پس اگر خود و کمال خود را خواهیم، باید دوست خدا باشیم؛ و اگر  
دوست خداییم، باید دوست وسائط فیوضات از نبی و وصی، باشیم؛  
وگرنه یا دوست خود نیستیم، یا دوست واهب العطا یا نیستیم، یا  
دوست وسائط فیوضات نیستیم.

پس کیمیای سعادت، یاد خداست، و او محرک عضلات به سوی  
موجبات سعادت مطلقه است؛ و توسل به وسائط استفاضه از منبع

خیرات، به واسطه وسائل مقررہ خودش است. باید اهدا به هدایات آنها نماییم و رهروی به رهبری آنها نماییم تا کامیاب شویم. کوچک و بزرگ باید بدانیم: راه یگانه برای سعادت دنیا و آخرت، بندگی خدای بزرگ است؛ و بندگی، در ترک معصیت است در اعتقادیات و عملیات.

آنچه را که دانستیم، عمل نماییم و آنچه را که ندانستیم، توقف و احتیاط نماییم تا معلوم شود، هرگز پشیمانی و خسارت در ما راه نخواهد داشت؛ این عزم اگر در بنده ای ثابت و راسخ باشد، خدای بزرگ، اولی به توفیق و یاری خواهد بود.

از واضحات است که خواندن قرآن در هر روز، و ادعیه مناسبه اوقات و امکانه، در تعقیبات و غیر آنها؛ و کثرت تردد در مساجد و مشاهد مشرفه؛ و زیارت علما و صلحاء و همنشینانی با آنها، از مرضیات خدا و رسول (ص) است و باید روز به روز، مراقب زیادتی بصیرت و انس به عبادت و تلاوت و زیارت باشد.

و بر عکس، کثرت مجالست با اهل غفلت، مزید قساوت و تاریکی قلب و استیحاش از عبادت و زیارات است؛ از این جهت است که احوال حسنه حاصله از عبادات و زیارات و تلاوتها، به سبب مجالست با ضعفا در ایمان، به سوء حال و نقصان، مبدل می شوند؛ پس، مجالست با ضعیف الایمان- در غیر اضطرار و برای غیر هدایت آنها- سبب می شود که ملکات حسنه خود را از دست بدهد، بلکه اخلاق فاسده آنها را یاد بگیرد:

"جالسوا من يذكرکم الله رؤيته، و یزید فی علمکم منطقه، و یرغبکم فی الآخرة عمله".

(یعنی : با کسی همنشین شوید که دیدار او شما را به یاد خدا بیندازد ، و منطق و گفتار او بر عمل شما بیفزاید ، و کردار او شما را به عالم آخرت ترغیب نماید).

دوری از علما و صلحا، سبب می شود که سارقین دین، فرصت را غنیمت بشمارند و ایمان و اهلش را بخرند به ثمنهای بَخس و غیر مبارک.

کسی که به خالق و مخلوق، متیقن و معتقد باشد، و با انبیاء و اوصیاء صلوات الله علیهم جمیعاً مرتبط و معتقد باشد، و توسل اعتقادی و عملی به آنها داشته باشد، و مطابق دستور آنها حرکت و سکون نماید، و در عبادات، «قلب» را از غیر خدا، خالی نماید، و فارغ القلب، نماز را که همه چیز تابع آن است انجام دهد، و با مشکوکها، تابع امام عصر عجل الله له الفرج باشد، و هر که را امام، مخالف خود می داند با او مخالف باشد، و هر که را موافق می داند با او موافق، و لعن نماید ملعون او را، و ترحم نماید بر مرحوم او و لو علی سبیل الاجمال؛ هیچ کمالی را فاقد نخواهد بود و هیچ وزر و بالی را واجد نخواهد بود.

هیچ ذکری، بالاتر از «ذکر عملی» نیست؛ هیچ ذکر عملی، بالاتر از ترک معصیت در اعتقادیات و عملیات نیست. و ظاهر این است که ترک معصیت به قول مطلق، بدون مراقبه دائمیه صورت نمی گیرد.



نتیجهٔ خلق و مخلوق ، علم و معرفت است ، چنانکه در حدیث قدسی آمده است که خداوند می فرماید :

"خَلَقْتُ الْأَشْيَاءَ لِأَجْلِكَ وَ خَلَقْتُكَ لِأَجْلِي".

یعنی : تمام اشیا را برای تو ، و تو را برای خودم آفریدم.

\*\*\*\*\*